



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - اقتصاد - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۸۴۴

۵ شنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۳۴

سال ۵۵م

شماره مسلسل ۵۵

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۵۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه

بیست و دوم مهر ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبیل.
  - ۲- تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای خلعت بری.
  - ۳- بقیه مذاکره در کمیسیون خاص راجع بقرارداد فروش نفت.
  - ۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه.
- مجلس دو ساعت و بیست دقیقه بیش از ظهر بر است آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبیل

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: بیات ماگو شفیعی - حشمتی - دکتر سید امامی - نقتالاسلامی - کریمی - کاشانی - صفاری اکبر - صرافزاده - محمود ذوالفقاری - پیراسته - جلیلود - احمد صفائی - عرب شیبانی - مصطفی ذوالفقاری

غائبین بی اجازه آقایان: کدوور - سالار بهزادی - برومند - سلطان - کیو دکتر جزایری

دیر آمدهگان با اجازه آقایان: یور سرتیب - امیر تیمور - بزرگ نیا - دکتر سعید حکمت - اریه - عبدالرحمن فرامرزی - دکتر نیرومند - خرازی - استخر

دیر آمده بی اجازه - آقای امیر احتشامی

رئیس - صورت مجلس جلسه قبل هنوز حاضر نیست و برای جلسه بعد میباید امروز نطق قبل از دستور نمازیم و وارد دستور میشویم

### ۲- تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای خلعت بری

رئیس - آقای ارسلان خلعت بری

فرمایشی داشتید

خلعت بری - یک سؤالی داشتم راجع به جای

رئیس - بسیار خوب لطف فرمائید بدولت ابلاغ میشود

### ۳- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون خاص

راجع بقرارداد فروش نفت

رئیس - آقای وزیر دارائی فرمایشی

دارید فرمائید

### وزیر دارائی - :

دو چیز طریقه عقل است دم فروستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

با اینکه قصد داشتم بعد از تمام بیانات آقایان موافقین و مخالفین با ایرادات و اعتراضاتی که نسبت بقرارداد فروش نفت میشود یکجا جواب عرض کنم در وقت نداشتم خارج از موضوع قرارداد وارد مذاکره ای بشوم ولی فرمایش آقای حائریزاده مرا مجبور کرد بآنچه آقایان گفته اند پاسخ بدهم (جمعی از نمایندگان - ایشانکه تشریف ندارند) تا مبدا سکوت را حمل بر رضا و نداشتن جواب فرمائید (شمس قنات - آبادی - جواب ایشانرا قبل از دستور بدهید)

فرمایشات آقای حائریزاده دو قسمت داشت - یکی تجلیل و تنظیم بعضت و سعادت امیرانوری انگلستان که با نهایت زرنگی و مهارت سعی کرده بودند در آستانه قرار داد جدید نفت شعبی از بابت انواع قدرت را پندل جوان کشورشان بدهند (صحیح است) و طلسم برتری و تسلط انگلستانرا که باطل السحر نهضت ملی ایران درهم شکسته بود از نورد گوشه و کنار قلب جوانان این مملکت بیابوزند (احسن است)

دوم اظهاراتی بود راجع بقرارداد فروش نفت و پیشنهاداتی در زمینه آن

راجع بموضوع اصلی که قسمت دوم

فرمایشات ایشانرا تشکیل میداد و خلاصه

نظر ایشان اینستکه بعد از مشورت با دو کار

شناس بزرگ نفت یعنی آقایان مشاوران و

مکی (احسن است) (خنده نمایندگان) ایشان

مدلل شده است این قرارداد مضرت است

البته شأن آن کارشناسان اجل از این

بوده است دلیلی برای نظریات خود بیابورند

و آقای حائریزاده میخورد را مستغنی از آن

دانسته اند که از آقایان توضیحی بخواهت

پیشنهادات ایشان عبارت از اینستکه

ما یک بنده خدائی را پیدا کنیم و او را حاضر کنیم که یک شرکت سهامی بسا ما بسازد و پنجاه درصد سهام را با او قسمت کنیم

در این زمینه لابد ایشان فراموش نکرده اند که فقط دولت شوروی در سال ۱۳۲۵ حاضر شده بود شرکت سهامی با ما درست کند که ۵۱ در صد سهام را داشته باشد و ۴۹ در صد سهام متعلق بسا باشد آقای حائریزاده پیشنهاد دیگری را در این زمینه سراغ دارنده فرمائید

اگر آقای حائریزاده مصلحت بدانند و آقایان دیگر تصویب فرمائید بدینستکه ایشان مأمور است این مذاکرات را بعهده بگیرند و اگر توفیق حاصل فرمودند اول کسی که ایشان تبریک بگوید بنده خواهم بود

بنده عیب نمیدانم صریحاً اعتراف کنم که بهتر از این قرارداد نتوانستیم تنظیم کنیم و چند بار عرض کردم که اگر آقایان راه بهتری می شناسند پیشنهاد کنند بنده فوراً کنار میروم و هر کسی مدعی تهیه مواد بهتری برای قرارداد و فروش باشد این کوی و این میدان

من نمیخواهم با آقای حائریزاده مدرس دمکراسی بهم ایشان که قدم قدم بارجال این کشور از مرحوم مدرس گرفته تا نخست وزیر فعلی همکاری داشته اند بهتر از من بوزیرین دمکراسی و مفهوم مسئولیت و وزراء آشنائی دارند و میدانند که بنده بعنوان مأمور از طرف دولت بانمایندگان کنسرسیوم مذاکره کرده ام و آنچه تهیه شده بیش از آنکه امضاء شود بتصویب هیات دولت رسیده است و بیش از آنکه جناب آقای نخت وزیر و سایر همکاران من آنرا تصویب کنند نه قرارداد امضاء شده نه بجلس تقدیم گردیده است

راجع به فرات باید عرض کنم که آقای حائریزاده یکی از نمایندگان مجلس شانزدهم بودند و مجلس ۱۶ باتفاق آراء برداخت فرمات را تصویب کرد

**جهاد صاحب‌صافی - با کثرت آراء فرمایشی و بصورت قانون ۹ ماده ای در آمد فلسفه پیشنهاد آقای دکتر صدیق هم در پرداخت غرامت این بود که اگر ما تهدید پرداخت غرامت را نمیگردیم ملی شدن صنایع نفت حکم صادره اموال شرکت سابق را باید امیکرد و مطابق قوانین دوروی بین‌المللی این کار متنوع میباشد (خلعبری - این نظر کاملا صحیح است)**

موقت ما در داد گاه های بین‌المللی فقط بخاطر همین ماده تهدید پرداخت غرامت بود.

فرمایشات آقای حائری زاده این احساس را پوشش میدهد که انگلستان فعال ما بشاع در دنیا است هر چه در این مملکت شده از روی بجهت انگلستان بوده است و تمام رجال ایران نیز از آقای حائری زاده هم دست پرورده انگلستانند.

من نمیدانم سابقه در این قبیل مسائل که اثری جز تضعیف مردم این مملکت ندارد و آثار باسی را در قلب جوانهای مملکت باقی نگذارد برای چیست ؟

اگر قضیه زیرون نگاهداشتن مادر بین نیستا اگر نمیخواهد یا در دم ریختن اوضاع جهان و بیش آمد فرصت های گرانها برای ملت ما را از شیب انگلستان بترسانید چرا این حرفها را میزنید ؟

آقای حائری زاده عقیده دارد که هر چه ما مکرر داریم و هر چه از پنجاه سال اخیر در این کشور شده است با اجازه انگلستان بوده است (فقات آبادی - کی آقای حائری زاده چنین حرفهای زده است )

نظفشان هست .

اگر مجلس چهاردهم ممنوعیت مذاکره راجع با امتیازات نفت را تصویب کرد انگلستان در کار بود ؟ اگر کانادا زده ایران آمد انگلیسها خواستند ؟ اگر نفت ملی شده انگلیس کرده اند ؟ اگر ملت ایران قیام کرده و شرکت سابق را بیرون بدهد آقای حائری زاده میگوید نشان بدهد که بانفقه خودشان بوده ؟ که مصدق زمامدار شده بازم آنها خواستند او را کنسرسیوم بین‌المللی پیشنهاد خرید نفت داد بتحرک انگلیسها بوده است .

مدرس - در سابق مصدق همه روزه نو کر انگلیس بوده اند جز آقای حائری زاده بخدا قسم من میل ندارم هیچوقت بکسی توهین کنم نیخواهم از خود مسائل مطرحه خارج شوم ولی فرمایشات آقای حائری زاده که شخصاً با ایشان ارادت دیرینه دارم (پوررتیب - همین دلیل ادرانتانست) من نمیهم و من من مانند ایشان با فرمایش مرحوم مدرس هم عقیده هستم که ایرانی اصولاً خان به مملکت خود نیست ولی وقتی انسان از ابتداء تا انتهای نطق آقای حائری زاده را بررسی میکند می بیند که ایشان از یک فریبش منقلب امیر اطوری انگلستان را بر رخ ما میکنند و با یک منطبق مخصوص خود میخوانند ثابت کنند

وقتی میخواستند تغییر رژیم بدهند هماهنگ شده بود این مردوش معلول آقای حائری زاده است .) و مردم راجع بر حال پدر مشروطیت تصوراتی یکبار دیگر گرفتار این بدبختها بشویم (احسن) بنابراین بنده میخواستم از آقای قهرمان مبارزه و نفی خود را بیاندازم چرا کاری میکنید که این تصورات و اعتراض مردم از بین برود

آیا وجداناً خودتان بآنچه گفته اید متقاعد هستید ؟ من اگر در میان خودم زیاد روی گرم مغلط میخوانم و امیدوارم خداوند ما قانع هم را بگیرد

آقای درخشش در بیانات خود در شان هرایش بندر ما در نطق قبلی خودم راجع بغوی زبونی اظهار کرده بودم تسخیر کردند و بنده میخوانم خواهش کنم که باز دیگر آن نطق را بدقت مطالعه فرمایند شاید اثرش میخوانم و مدارک ایشان که آنقدر زحمت کشیدند و صدو چند صفحه تهیه فرمودند یکساعت هم برایشان بنده توجه فرمایند متوجه خواهند شد که عرایش بنده منطقی است و علت الملل بدبختی مادر این مملکت همان خوی زبونی است (صحیح است) اگر آقای درخشش ، خوی زبونی نبود چنانچه بجای اینکه مثل خال زده ما بگویند تیر فیر بقرن ۱۹ و در موقمی که مادر قرن بیستم زندگی میکنیم و هندوستان و پاکستان و انومیزی مالک مستقل هستند و در صحنه شطرنج بین‌المللی روی مهمی دارند از کجیانی مرده هند یاد بکنید (احسن)

اگر خوی زبونی نبود چنانچه مثل خال زده ما مثل آلمان را بر رخ ما میکشید که یک ملت بی هواری زده چنین حرفهای زده است )

سراسر آن کشور اشغال کننده هست افراد این ملت با حس اعتماد و غرور ملی خودشان سعی میکنند ، زحمت میکنند و امروزه فقط روی اقتصادی مهمی را دارن شاید قریباً روی سیاسی مهمی را هم در دنیا بازی میکنند

(درخشش - قرار داد ترکیه را فرمایید )

ترکیه را بنده کار ندارم (درخشش - مال ناید که در باره موضوع فرامت طبق قرارداد ضمیمه این پیشنهاد عمل ناید دولت آمریکا متعهد خواهد شد که مقداری نفت بارش ۱۴۴ میلیون دلار از ایران در مدتی که بعداً تعیین خواهد شد خریداری ناید (مشایخ - چند تن میشود ؟) بنده بقیست است آقای درخشش فرمودند دوست میلیون تن ولی این را بنده نمیتوانم مدتش جز همان هیئت حا که هستم بنده میخوانم بخودم تلقین بکنم که خوی زبونی ندارم آقای فقات آبادی . . . .

**رئیس - آقا بین‌المللین صحبت نکنید صحبت خودتان را فرمایند**

بسیار این شرط اولیه ابتکار اینست که در همان موقع و همان اولی این طرح مربوط بر قرار داد فرامت و راهم امتیاز بکنند و تا آنجا که کردند نبندند

۲- شرکت ملی نفت بوجوب این پیشنهاد بین‌المللی که شرکت نفت انگلیس و ایران هم جزء آن خواهد بود مذاکرات را برای مقصد قرار داد تجارنی مربوط بفروش مقادیر مدهای نفت برای مدت طولانی شروع ناید

بجزری که شرکت بین‌المللی مزبور تشکیل شد این مذاکرات شروع دولتمارک در نظر دارد که شرکت بین‌المللی مزبور با عنوان عامل خود برای تعویل نفت های خریداری شده معین ناید

تاتاریش که مذاکرات بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت بین‌المللی خوانه نبافته است قیمت مواد نفتی خریداری شده از این قرارداد حساب نخواهد شد که قیمتها راهم حالا خدمتتان عرض میکنم

۱- دولت ایران و انگلستان موافقت مینمایند که حل تمام دعاوی متقابل خود را بدیون المللی لاهه مرامه نمایند

۲- از دیون بین‌المللی تقاضا خواهد شد که فرامت مناسب با پدر نظر گرفتن عدم تلفع کمیانی در ایران را مورد توجه قرار دهد . برای اجرای این منظور اصولی را که در مورد ملی شدن صنایع در پاکستان مورد عمل قرار گرفته ( به تشخیص دولت انگلستان ) مورد توجه قرار دهد همچنین مبلغی را که باید ایران در مورد دهسای متقابل ایران پرداخته شود تعیین خواهد نمود و مدت پرداخت نباید از بیست سال تجاوز ناید

بنابراین توجه فرمایند که اصول پیشنهاد آقای هندرس که مورد توجه آقای درخشش واقع شده و آقای حائری زاده هم میفرمودند که در روزهای آخر حکومت مصدق یک پیشنهاد مجرمانه ای داده شد که قابل توجه بود اینست بنابر این شرط اول این پیشنهاد اینست که در همان اول کار دولت ایران طرح قرارداد فرامت را سه اموالش را اینجاست امضا کند این شرایط اینست که اولاً جاضر بشوند بدیون بین‌المللی لاهه برونه و در ذاتی قبول بکنند که عدم تلفع دولت انگلستان یعنی شرکت سابق در نطق گرفته شود و عدم تلفع روی قوانین ملی شدن صنایع در انگلستان و این صنعتی که خود انگلستان تشخیص بدهد داده می شود مثلا فرض فرمایند صنعت ذغال در نظر گرفته شود مطابق قانون انگلستان برای صنایع ملی شده با طبق متوطنان ما سه سال صاحبان سهام را گرفت و از روی آن سرمایه ای بدارند سه مدهاد که بقول فرنگیها که شما یک پلاسان مطش بکنند

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

ولی اگر خواستید در یک مدت طولانی بپردازید باید فرض را هم حساب کنید ( مهندس جفرودی - همان نطق که فرمودند ) عدم تلفع را عرض کردیم مبلغ محکوم به عرض شد که فرض کنیم آن مبلغ ایکس X است این X را که محکوم بشوند باید بپردازند و اگر خواستند در مدت طولانی بپردازند باید فرض را هم بدهند شا که آقای مهندس جفرودی در تجارت وارد هستید تاجر اگر پول فرض بدهد با اعتبار بدهد فرق نمیکنند در هر حال فرض را حساب میکند حال بنده در جزئیات این پیشنهاد وارد نشدم که بوجب آن یک شرکت بین‌المللی باید تشکیل میشد و شرعش هم این بود که شرکت سابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

بنابراین نسبت بنط خاطر آمد مطابق قرارداد کنسرسیوم ۱۶ درصد و بابت نطق تصفه شده ۱۵ درصد بیشتر است بنده این عقیده ام اگر عرض کردم برای اینست که آقایان نایند که در دهشتان متوجه بمانند که ما بهیچوجه منالوجه نیخواهیم چیزی را بوشیده نگاهداریم . حال اینکه داخل این بحث نیشوم که قرارداد برای یکسوم مناس است و اگر کسی یک پیشنهاد خریدی بدهد در یک موقع مینی وبند یک سال یا چند ماه از آن بگذرد بقول خود جنابعالی موقعیت که تغییر کند آن قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت منمک کلبه بنده فرض میکنم که اگر نمیتوانستیم مطابق پیشنهاد هندرس هم عمل بکنیم قرار داد کنسرسیوم منظور هم عرض کردم - (درخشش - این مدت نباشد این مدت صحت کردید من همه اساکت کردم چرا بیخوری تعرض میکنید آقای دکتر بننا شما هم بنشینید

**دکتر بننا -** بلی بنده سواد دارم رئیس - فرمایند آقای وزیر دارائی

حدا کثر ۲۰ میلیون تن نفت تصفه شده ای را که در سال ما بتوانیم بهمیم حساب کنیم باین حساب ۴۰ تا ۳۰ سال پرداخت فرامت طول خواهد کشید و البته موقمی که بنده راجع به مدت این قرارداد صحبت می کنم راجع باین مدت ۲ ساله ۱۰ ساله هم توضیح میدهم که آقایان روشن بشوند اما راجع بقیمت معائن حسابی که اینجاست که آقای درخشش هم ممکن است کنترل فرمایند قیمت هر جای یک نفت شامرا ۱۰ کریک دلار و ۹۲ سنت در نظر میخوانم بجز آنرا هم فرمودید ۳۰۴ درصد یا بدین تعریف بگیرند با تخفیف ۳۰ درصد که میشد ۶۷۲ سنت باقی میماند یک دلار و بیست و پنج سنت آتوقت بیست و پنج درصد فرامت که از هم زور شرایط است و با بیست و برادر در قرارداد روز روز بانک آمریکا بگذارند آنها میشود استخراج قیمت بگیریم از هر بار بلی نفت میشود ۷۵ سنت مطابق پیشنهاد فعلی قیمت نفت خام همان یک دلار و ۹۲ سنت است ۲۰ سنت بابت باقی کسر میشود که یک دلار ۷۲ سنت باقی میماند هم ما روی این اصل پنجاه پنجاه ۸۶ سنت است اما بابت نفت باخذ خلیج مکزیک قیمت فروش خلیج مکزیک ۲۷۵ دلار است که بنده گرفته ام دلار تخفیف ۳۰ درصد آن میشود ۱۰۰ سنت باقی میماند ۱۹۹ سنت بیست و پنج درصد فرامت ۹۹ سنت است کسر میشود باقی میماند ۱۰۰ سنت است استخراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت باقی میماند ۹۶ سنت است معراج تخفیف ۵۰ سنت بیست سنت است وقتی از آن کسر کنیم می شود ۷۶ سنت

ساعت پنج وعده ماهانه بود. مجلس اسحاق کرد. آقایان خسته شده بانه آفتاب اینجا نیایستیم که بنده را با بلور دلم از اینجا بکنند (در خوشی - حق امانت نداری سینه هم خودت هستی) جواب ندارد (احسن)

آقایان بنده برای سینه ما یادداشت یادداشت برای اینکه وقت مجلس را تکمیل از آنها صورت نظر میکنم (احسن) و به عرض خود میپردازم:

معی. خواست که از بیخ کدورت ما حافظ از آنکه خداست در اندیشه ما (احسن است)

آقایان روز جمعه شانزدهم بهرمانه که بنده در مجلس بودم دو جمله کلام اله مجید پانامه ای بعنوان بنده آسایش شمس گفتند - آبادی رسید برنامه بنده بکلام اله مجید قسم یاد کرد. بوده که ما در بیانات خودمان جز مصالح و منافع ملت و مملکت ایران هدف و منظور دیگری نداشته باشیم (احسن)

آقایان قسم همین کتاب مقدس آسانی کشتا و بنده بان سوگند یاد کرده ایم بنده در عرض خود جز حفظ مصالح و منافع مملکت و تأمین آسایش هموطنان خود هیچگونه منظور و مقصودی ندارم.

فصل از شروع بر عرض خود لازم دانستم تذکر دم که در همه جا به حضور در کشور ما صحبت کردن در زمینه مخالف براتیب آسانتر از صحبت در زمینه موافق میباشد (صحیح است) زیرا تصدیق میفرمایند تنقید همیشه آسانتر از تأیید و عمل است و منطق تنقید حتی اگر سخت هم باشد سهولت مورد توجه قرار میگیرد.

البته مطلب بر مغزیکه جناب آقای نخست وزیر در حق تقدیم قرارداد فرمودند و منطق جالب توجهی که جناب آقای وزیر دارایی در این زمینه ایراد کرده و اظهار داشتند که نمیتوان گفت قرارداد تقبلی غایت مطلوب و هدف اصولی است اما این را تسلط بر منافع فرودست میباشند معین استناد و استلال منین جناب آقای دولت آبادی مغیر کبیسون خاص نفت و طبق بنده را فوق العاده سهل و آسان کرد بندهم بنوبه خود بنات بیانات جناب آقای نخست وزیر وزیر دارایی و مغیر کبیسون میخوانم عرض کنم قرارداد تقبلی با در نظر گرفتن اینکه در اثر ندانم کاری دولت سابق نتوانست از مبارزات ملت ایران حد اکثر استفاده را تحصیل کند قرارداد است و آبرو منتهای اجازه آقایان. بمرض میرسانم که شمله فرزندان نفت چندین سال دامن خشک و تر مردم پیگناه و وطنپرست کشور ما سوزانید. خدای را شکر که پس از سه سال معلومین فداکارها - چار و جنجالها - نوروز آدم - کشها و بگیزو بیند ها و طرماز سازها بالاخره این صحنه سازها خانه پیدا کرد.

آقایان باید از زمان نمود که فضل الهی مقاومت و پایداری از خود گذشتگی ملت ایران و حمایت و پشتیبانی راهشانی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که در درک حقایق و پیش بینی مسائل جهانی و حفظ شئون ملی نخستین فرد بارز کشور میباشد (صحیح است) و مسامی دولت تیمسار سید زاهدی و حدیث نمانند که در ایران این مشکل بزرگ را حل کردند و در آن عوامفریبی را بست (صحیح است - احسن)

دولت سابق که برای حل مشکل نفت بسرکار آمد علاوه بر اینکه نخواست و نتوانست این مشکل را حل کند بلکه موضوع نفت را وسیله صوبیت خود فرار داد و هر چه که بایه و اساس حکومت خود را ضعیف دید بپایه و افترا را برای بقای خود جاری کرد (صحیح است) و تهدید نمود اگر فلان اقدام بعمل نیامده بود در ۲۴ ساعت موضوع نفت حل میشد ولی فلان اقدام یا فلان اظهار نگذاشت این مشکل را خانه دمور چنین و چنان کنم. این صحنه سازی هر چند زوربا هر چند مکتب باز تکرار میشود مردم بردبار و نجیب ایران روی کنج های خداداد خود آخرین رمق هستی خود را از دست میدادند و با وضع اسف آوری امرار ماش میگردند تا نمودی قهرمان و سیاستمدار قلابی در پشت سنکر نفت حکومت کنند (احسن)

آقایان بدون شك و تردید کسانی که با نهایت فداکاری و از صمیم قلب برای قانون ملی شدن نفت و صنایع نفت ایران زحمت کشیدند حتی تصورهم نمیکردند که ممکن است اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت ایران باطناً بان سیاست منفي کمک کند که گویستنها در ایران خواهان آن می باشند متأسفانه در عمل به پیشرفت این مقصود کمک شد بطوریکه در تمام طول مدت مبارزات ملت شیدا ایران هر فرصتی که پیش آمد و هر وضعی ایجاد شد کما که حل مشکل نفت را نودید میزد. بالاخره نتیجه ای نرسید. انچه همین سیاست شام معنی و در باطن منطق با خواسته گویستنها بود و در عین حال آن روح لجاج و عنادیکه انگلیسها متفاد بر برابر عناد و لجاج مسئولین ایرانی از خود نشان میدادند تطبیق میکرد.

در نتیجه تقبیل این سیاست مسئله نفت که یک مسئله اقتصادی بود بصورت یکی از مسائل ایدئولوژی و جزئی در آمد و حکومت وقت هر بیستنهادهی را بدین آنکه مطالعه بکنند و با ارائه طریق نماید تاراهی برای جبران کیبود عایدات پیدا شود در کرد این خصوص آقای هرین در نامه خود آقای دکتر مصدق چنین مینویسد دولت ایران که نتوانف کار با امانت کارشناسان انگلیسی دارد ولی هیچ متدی که متعین رضایت طرفین باشد پیشنهاد نیشود و این امر موجب تأسف است که بلاشکله آبادان

از کار بیفتد. . . .

تقبیل این سیاست باعث شد که هیچ پیشنهاد اصولی از طرف حکومت سابق راجع به مسئله نفت داده نشود و مصدق السلطنه از یک طرف و حکمت فایده منافع ایران رعایت و حفظ شود وقتی سؤال میشد نظریه سریع خود را در این مورد بیان کنید یا نه گفت میباید ادامه همین وضع باعث شد که مدت پیش از سه سال آبادان و صنعت نفت ایران تعطیل کرد آقایان اگر در دست حساب شود ضرر تعطیل چندین ساله آبادان برای ایران بیشتر از آنست که کنسر سیوم بابت فرات با حق شرکت با عنوان شرقی و با عنوان دیگری بشرکت سابق می برد از دولت سابق به پیشنهادت رسیده وقت میگرد و آنها را مورد مطالعه قرار داد و در دست مطالعه و با پیشنهادت متقابل منعطفی میاد علاوه بر اینکه چندین برابر فرامات برداختی فنی از عایدات مستهک می شد ملو تالیه را دلار نیز باید خزانه مملکت میگردید و وضع مالی و اقتصادی ایران این روزها افتاد. خودخواهی و غفلت وی اطلاع یافتن بود دکتر مصدق (شوشتری - بنده تمام اسم از این بود که بجهت اقتصادی و نفع و ضرر کارهای خود توجهی داشته باشند آقای هرین در در نامه خود در این مورد نیز چنین میگوید. . . . . از طرفی ایران مشاورینی که در امور تجاری و قمرش نفت معطل باشند ندادند من مقامات رسمی ایران گفته دنیا نفت فراوان دارد و بازارهای نفت ایران ممکن است وسیله گمانیهای دیگر گرفته شود. . . . . آقایان باید توجه داشت که تجات و بهره برداری نفت تجارت عالی وند و شکر و خشکبار و کتند و عس و لوبیا نیست .

تجارت نفت پول میخواند و سایل حمل و نقل لازم دارد و بوز و قدرت و کارشناس و غیره احتیاج دارد عاملی که در تجارت نفت با تجارت سایر امته شباهت دارد همان قیمت بازار است البته اگر نفت کشوری برای خریدار صرف نکند مشتری و خریدار نفعها داشت در تجارت نفت با وجود قیتهای بین المللی نمیتوان روی احساسات و تهدید و فشار قیمتی را تعیل کرد. آقایان در کارهای اقتصادی و مسائل بازرگانی باید بحساب سود و زیان و افتت فرصت توجه داشت یک غفلت و تأخیر در اتخاذ تصمیم با اتخاذ تصمیم صحت ممکن است باعث ایجاد میلیونها ضرر قابل جبران گردد (شوشتری - همینطور که کرد) و چنانچه بعقیده خود آقای دکتر مصدق روزی سیصد هزار لیولی بحساب دقیق و مطابق با نامی که با قرار داد جدید بطور مستقیم و با غیر مستقیم عاید ما خواهد شد روزی بیش از دویست هزار لییره زیان و لجاج رعنا به پیچیده توجه نکرد که موضوع

نفت فقط یک مسئله سیاسی نیست بلکه قبل از همه یک موضوع اقتصادی و بین المللی است و وقتی شرکتهای نفت جهان در مقابل عید دولت ایران قرارداد گرفتند و از ایران ما بوس شدند نفت مورد احتیاج خود را از مناطق نفت خیز دیگر تأمین نمودند صنعت نفت ایران را خوابانیدند. بنابر این دولت سابق از یک طرف نفت را تعطیل کرد از طرف دیگر همان سیاست بدون نفت را تعطیل ننمود که لازت قیمتی از کیبود عایدات را از طریق دیگر جبران نماید. اکنون نیز با کمال وقاحت طرفداران همان مکتب نیز اقتصاد بدون نفت را علم کرده اند و ادعا دارند که نمایان از این رویه و سیاست را یک بار خداوند عادت داده برهنه کرده نفت را برای اعقاب خود ذخیره کنند. با نهایت تأف مخالف قبل از این نیز با اینکه این نیز وارد کردت - جز نیروی سوم یعنی انتظار و افلاس را تأمین نمود - آقایان قریب ۶۰ هزار کارگر و کارمند بیکار بیش از سه سال خوردند و خوابیدند بطوریکه در آخرین سال قبل از ملی شدن صنعت نفت ایران که بالغ بر ۱۳ میلیون بود در سال معصوم دولت در سال ۳۲ فقط چندین هزار تن نفت آتیم با چک بی محل بخارج فروخت در عرض کشور عراق که در سال ۱۳۳ - ۶ میلیون تن نفت داشت معصوم آن کشور در سال ۳۲ ۲۹۹ میلیون تن رسیده نفت هرستان که در حدود ۲۶ میلیون تن بود به ۴ میلیون تن رسیده نفت کویت ۱۷ میلیون تن به ۴ میلیون تن بالغ شد نفت قطر که یک میلیون تن بود به ۴ میلیون تن رسیده با این حساب می بینیم که در ظرف سه سال بیش از ۷۰ میلیون تن با استخراج نفت ما بیرون ما اضافه شد و بیش بینی هرین راجع به از دست رفتن بازارهای نفت ایران صورت تحقق بخود گرفت.

آقایان هنوز مسئله مخالفین و مردم خودخواه و استفاده جو و مغرض و عوامفریب که برای ارضاء شهوات خود و برای پیشرفت مقاصد و منویات سوء خود قویتهای آرام نشسته و با تمام قوی جهت دارند مانع تصویب و اجرای این قرارداد و اجرای سیاست نفت ایران گردند (صحیح است) تا بتوانند با افتقار و کمزوری مردم و جاهت خود را حفظ کرده و در تأمین منافع خود توفیقی حاصل نمایند بنابر این آقایان نباید باین قبیل عناصر خبیانیت بیشه فرصت تظاهر داد و باید سعی کرد هر چه زودتر دستگاه نفت بکار افتد و درآمد آن عاید خزانه مملکت گردد.

مشائل اشخاصی که با قرارداد فنی و خاننه مشایع نفت مخالفند برعکس آقای دکتر امینی دوسه دسته بگویند آنها را بجهت دسته تقسیم کردم - کویستنها در دست دوم عیال شرکت سابق نفت و دسته سوم صدتی ما دسته چهارم چانه صدتها که تازه وارد صحنه سیاست شده اند. سیاست دست اول یعنی کویستنها را در مقدمه هرایش خود بیان کردم و شرح دادم سیاست تخرب ایندسته روشن و واضح است و محتاج به بیان نیست.

مخالفت دسته دوم یعنی عیال شرکت سابق قبل از وقتی میتوانیم بگویم درک کنیم که تمام اطراف و عیوالم مسئله نفت را درست مطالعه کنیم و از تاریخ تحولات صنایع نفت ایران اطلاعات کافی داشته باشیم ولی اصلاح ملل مخالف این آقایان را چنین میتوان بیان کرد: وقتی کسی ملکی یا چیزی را صد درصد در اختیار خود داشته باشد و سایرین دراز از منافع آن بدون دردرس متنوع و بهره مند نشد باشد بجز در اینکه حس کرد شریک ملکی یا کسب احصائی قیود برود و ملت ایران همانندیکه شما چه فداکارها کردید و چه و ناراضی میشد شرکت سابق نفت هم که با کمک اول انگلستان سایرین دراز از منافع نفتی مملکت ما پنهانی متعین شده بود به پیچیده و هیچ عنوان حاضر نیستند در برابر خود شریک ملک جدیدی سه بیند مرض ضررات اقتصادی قراردادات این مردم شرافتمند و با انضباط و وطن دوست و صاحب احساسات شریف و عالی وی آلاش و فداکار و در شین از جریانات واقعی و مسائل حیاتی اطلاع کامل داشته باشند (صحیح است) بیخنده آقایان اجازه میدهند اینها را تا آخر بگویم مترسم آقایان خسته شوند هر وقت بفرمایم بیروم (جمعی از نمایندگان بفرمایند آقا)

آقایان غفلت نفرمایند تشخیص مردم ایران بعدی است که زود خادم را از خانگی تشخیص میدهند

آقایان هم تبعیت از فرمایشات اعلیحضرت همایونی عرض میکنم خدمت نکردن باین مردم و نجیب و شرافتمند و فداکار خبیان است (صحیح است) بنابر این و متأسفانه چنانکه عرض شد تمام فرصت های مناسب را برای کسب و جاهت از دست دادند.

لازم است باطلاع آقایان نمایندگان محترم برسانم که عرایض بنده در مورد نفت بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی دارد بنا بر این قبل از دفاع از قرارداد شرح مزایای آن ناچارم یک بحث کلی و اصولی با آقایان بکنم بنده میخوانم برای اطلاع خود نظر آقایان را بخواهم و بدانم آیا در میان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی کسی هست که فکر کند نباید انکرده نمایندگان و مسئولینی که برای دفاع از حقوق ملت ایران با یک کسب و بوم را مدافا کرده شده اند و در این چند ماه جلسات شانه روزی در انجام وظیفه قصوری کرده اند؟ و با خدای نکرده آنچه کم ممکن بود و نخواستند اند (شمس فئات آبادی - بلی

بلی) و با درستی و با نظر این نظریات و تقاضاهای آقایان بنظر بنده نمایندگان ایران ولو برای حفظ حیثیت و آبروی خود میباشند تا آخرین حد امکان کشیده اند و از حق و منافع ایران دفاع کرده اند و آنچه مقدور بود و امکان عملی داشته و بنفع ایران کرده اند بالاتر از این آقایان کی ادعا میکنند اشخاصی غیر از مسئولین فعلی کدر تهیه این قرار داد دخالت داشته اند میتوانستند این مشکل را بهتر از وضع فعلی حل کنند و یا مزایای بیشتری تحصیل کنند.

بنده اطلاع دارم در تمام این مدت نمایندگان ایران با مردم و طبقات مختلف تماس داشتند و نظریات آنها بنامبر شده و در مذاکرات خود با نمایندگان کسب و بوم حتی امکان نظریات آنها استفاده میکردند بنابر این با تاجرهای که از گذشته داریم چطور میتوان ادعا کرد که این فرصت هم از دست رفت فرصت بیشتری حاصل آمد و با این دولت سابق شد دولت دیگری در امر نفت توفیق بیشتری حاصل خواهد کرد.

آقایان اینها سوالاتی است که کسب و بوم در معامله دقیق که بگریزایات گذشته و تحلیل اوضاع سیاسی جهان پیش میاید البته تنقید آسانتر از تأیید و عمل است ولی هر کس ادعا کند اگر چه دارم مسئول امر بودم بهتر عمل میکردم ادعائی پیش نخواهد بود. دراه حل اساسی و جنبه مثبت و عملی پیدا و پیشنهاد نخواهد کرد و مانند همان وعده های سیصد هزار لییره روزانه و غیره خواهد بود.

منظور از عرض این مطالب این بود که ممکن است بعضی ها در زمینه مخالف ادعائی بکنند و اظهاراتی نمایند ولی آقایان از حرف تا عمل فاصله زیاد است و از پیش تن تریبون میتوان همه چیز را شواست و خواست در جنبه منفی فوق العاده آسانست مثلا هر که بیاید و بگناشت حمله کند و تمام مسئولین را خائن قلمداد کند و تقاضا نماید که مایستی صد درصد از عایدات نفت تصبب ایران گردد بی شک وجاهش بیش از کسی خواهد بود که با در نظر گرفتن امکانات و عوامل اقتصادی و وضع سیاسی و جغرافیائی اظهار بدارد آنچه مقدور بود و میتوانستند گرفته اند و در وضع حاضر در مقابل قدرت و نفوذ و سایل کار و سرمایه و کارشناس و سیاست واحد تر است با کارکنان بین المللی تجارت نفت و بخصوص با بازارهای نفت و تفککش بیش از این مقدور نبود.

آقایان قبل از اینکه مزایای قرار داد را شرح دهیم چنانکه در مقدمه عرضم اشاره کردم لازمست برای اطلاع آقایان پیشنهادت واصله در حکومت سابق را با

بگذرک و با قرارداد فعلی خیلی سطحی و باغضار مقایسه کنیم.

**بطوریکه اطلاع دارید** در زمان آقای دکتر مصدق پیشنهاد متعلقی از طرف مسیونهای جکسن و استوکس و بانک بین‌المللی و همچنین پیشنهاد مشترک دول انگلیس و آمریکا (پیشنهاد جرجلرو (ترومن) بدولت ایران رسید که هیچکدام مورد قبول واقع نشد و مذاکرات بر سر حله قطعی قرارداد نرسید و در نتیجه بسیاری از نکات اساسی مانند میزان کل صادرات نفت پانجم سالانه نفت تصفیه شده در آبادان در این پیشنهادها مبهم مانده و لذا نمیتوان اصولاً پیشنهادها را مقایسه کرد.

پس این پیشنهادها را مقایسه با قرارداد فعلی بهترین موفقی که در قرارداد جدید برای دولت تحصیل شده است تعیین میزان حداقل صادرات در سه ساله اول عملیات همچنین سالهای بعد است که این قسمت نیز در نتیجه با فشار آقایان نمایندگان در کمیسیون خاص و اقدامات و فشاری دولت تأمین گردیده با این ترتیب امید است که صنعت نفت ایران در ظرف مدت قلیبی به میزان قبل از ملی شدن برسد و با توجه با افزایش مصرف نفت با بازارهای نفت خاور میانه در دنیا در کمترین مدت ممکنه میزان تولید سالانه ایران از ۳۰ میلیون تن در سال ۴۰ که همان تولید سابقهای قبل از ملی شدن نفت بوده است تجاوز نماید.

البته باید توجه کرد چنانچه کسری سومی برای خرید نفت ایران تشکیل شده بود و هشت شرکت بزرگ جهانی که تقریباً تمام نفت خاور میانه را در دنیا بخش میکنند در آن سهم نگرفتند به پیوسته ممکن نبود که باین سرعت، بازار از دست رفته را بدست آورد.

در طی سه سال آتی بازار جهانی نفت خاور میانه به میزان ۸۰ میلیون متر مکعب افزایش خواهد یافت و تمام این افزایش از نفت صادرات ایران تأمین میشود و این رویه در سالهای بعد نیز تعلق خواهد شد و سهم ایران از مجموع صادرات خاور میانه همیشه متناسب با ذخایر نفتی جنوب ایران بوده و حجم صادرات نفت از ایران نسبت یکل صادرات نفتی خاور میانه اهمیت سابق خود را بدست خواهد آورد. چنین امری جز با موافقت تمام شرکتها که قسمت اعظم تجارت نفت جهان را در دست دارند ندارد پذیرد.

آقای دکتر مصدق نیز در مذاکرات خود با سفیر آمریکا باین موضوع اشاره کرده است.

۱- پیشنهادها با بانک بین‌المللی - از لحاظ قیمت نفت چنین پیشنهادها شده بود که تقریباً تمام نفت خاور میانه را در دنیا بخش میکنند در آن سهم نگرفتند به پیوسته ممکن نبود که باین سرعت، بازار از دست رفته را بدست آورد.

۲- در پیشنهادها زمین استوکس را چه قیمت فروش نفت به سازمان خرید، چنین ذکر شده است که آن قیمت گرا تر از قیمتی نخواهد بود که آن سازمان میتواند برای خرید یا تولید نفت در سایر ممالک بپردازد یعنی بهای فروش نفت با تخفیف معادل با سود حاصله برای شرکت ملی نفت پس از وضع هزینه تولید نفت و تخفیف مورد نظر حساب شده است.

۳- پیشنهاد با بانک بین‌المللی - از لحاظ قیمت نفت چنین پیشنهاد شده بود که اولاً در هفت نفت حاصله از منابع نفتی ایران با یک لث تخفیف بر اساس قیمت نفت خام در خلیج فارس در اختیار بانک گذاشته شود.

ثانیاً برای هر ششگه نفت خام که وارد تصفیه خانه گردد ۵۰ سنت بعنوان هزینه تصفیه و سه سنت بعنوان استناده ایران پرداخت شود. بدین ترتیب نفت خام به مبنای بهای آتوموق خلیج فارس هر ششگه ۱۷ سنت و نفت تصفیه شده هر ششگه ۱۷۰۰ سنت باینکه فروخته میشود از این مبلغ برای هر ششگه نفت خام ۳۰ سنت بابت هزینه تولید و ۳۷۰۰ سنت بابت فرات از طرف بانک نگهداری میشود برای هر ششگه نفت که به تصفیه خانه وارد میشد علاوه بر مبلغ فوق ۵۰ سنت بابت هزینه تصفیه بحساب منظور میگردید بطوریکه برای هر ششگه نفت خام بقیمت آتوموق ۵۰۰۰ سنت (یعنی تقریباً تنی سه دلار و ۱۰۰ سنت) و هر ششگه نفت که وارد تصفیه خانه میشد با تصفیه بعمل آید.

۴ - پیشنهاد جرجلرو - ترومن و توضیحاتیکه بعداً از طرف دولت آمریکا بدولت سابق داده شده حاکی از آنست که از قیمت رایج خلیج فارس ۳۰ درصد تخفیف گرفته و معراج تولید و هزینه فرات از آن کمتر میشود که در حقیقت از پیشنهاد بانک بین‌المللی نیز کمی کمتر است زیرا بانک مزبور تقاضای ۲۳ درصد تخفیف بجای ۳۰ درصد نموده بود.

بطوریکه ملاحظه میشود در کلیه پیشنهادها واصله در زمان حکومت آقای دکتر مصدق بطور مستقیم و با غیر مستقیم اصل پنجاه پنجاه طبق آنچه در ممالک هم جواز رایج است مبنای عایدات دولت ایران قرار گرفته و در پیشنهادها جکسن و استوکس این موضوع با رقم تصریح نشده ولی در مورد پیشنهاد بانک بین‌المللی و جرجلرو و ترومن ارقامی نیز ذکر شده است.

در کلبه این پیشنهادها چنانچه ذکر شد حد اقل صادرات نفت ایران تعیین نگردیده و این موضوع همچنان مبهم مانده است.

در قرارداد فعلی ملاحظه میشود که اصل پنجاه پنجاه کمورد موافقت قرار گرفته برابرت از کلیه پیشنهادها بهتر است و برای روشن شدن مطلب تأیید صحت عراض بنده کافست که اصل رایج قراردادهای پنجاه پنجاه مورد عمل در عراق و عربستان سعودی و کویت مورد مطالعه قرار گیرد.

مرد عراق عرب از قیمت خلیج فارس که در موقع عقد قرارداد هرتن ۹۶ شیلینگ بوده است ۱۳ درصد تخفیف گرفته و مبنای محاسبه اصل پنجاه پنجاه را بر اساس هرتن نفت ۸۳ شیلینگ قراردادها اندک از این مبلغ هزینه های جاری کسرو بقیه نصف نصف تقسیم میشود.

در عربستان سعودی از قیمت رایج

خلیج فارس برای محاسبه اصل تصفیه ۱۸ درصد تخفیف گرفته اند در کویت این تخفیف به میزان بیست درصد میباشد و علتی که برای قائل شدن چنین تخفیفی در آن ممالک ذکر شده است موضوع هزینه فروش و پیش مواد نفتی و ایجاد بازار میباشد ولی در قرارداد پیشنهاد فعلی اصولاً تخفیفی از قیمت متداول خلیج فارس قائل نشده و منظور اصل پنجاه پنجاه عبارتست از قیمت رایج خلیج فارس منهای هزینه تولید و پیش که رقم حاصله بدو قسمت مساوی تقسیم میگردد باین متوجه بود که در هزینه تولید و پیش فقط ۲ درصد قیمت خلیج فارس بابت معراج بخش میشود در همین رقم از تخفیف هائیکه در مورد ممالک فوق ذکر شده برابرت کمتر بوده و اصل پنجاه پنجاه که در این پیشنهاد مورد عمل قرار خواهد گرفت برابرت بهتر از وضع رایج در عراق و عربستان سعودی و کویت میباشد و همچنین از پیشنهاد بانک بین‌المللی و پیشنهاد آخری جرجلرو و ترومن نیز برابرت بهتر است زیرا در پیشنهاد بانک قیمتی که بابت هر ششگه نفت خام صادره در ایران بر مبنای طبق قیمت امر و زنت نامدر خلیج فارس که ۱۹۵۰ سنت میباشد ۶۵ سنت و آنچه که بابت تصفیه شده جرجلرو و ترومن نیز برابرت بهتر است زیرا پیشنهاد بعدی هم این مبلغ قدری کمتر از ارقام فوق بوده طبق قرارداد فعلی با توجه بقیمت خلیج فارس که هر ششگه نفت خام ۱۹۵۰ سنت است و هزینه تولید و پیش هر ششگه ۲۰ سنت حساب شده است سهم دولت ایران با بهره ششگه ۸۷۰۰ سنت است و متجاوز از ۶ دلار هرتن (۴۳ الی ۴۰ شیلینگ هرتن) و برای هر تن نفت تصفیه شده ۲۰۰ شیلینگ هرتن بود که برابرت از پیشنهادها گذشته بهتر است.

طبق قرارداد ۱۹۳۳، توسط عایدات دولت مرکزی مجموع حق الامتياز و مالیات و بیست درصد سود سهام و غیره جمعاً بنا بر خلیج فارس ۱۸ الی ۲۰ دلار و بهره هرتن در حدود ۱۲ شیلینگ بوده است و طبق قرارداد الحاقی ۲۰ کشتایان این مبلغ بحدت ۱۸ الی ۲۰ شیلینگ افزایش یافته بود بنابراین قرارداد فعلی که برای هر تن نفت خام ۴۴ شیلینگ برابرت برابرت بکلیه پیشنهادها قبلی رجحان دارد.

در ضمن باید تذکر داد که یک میلیون و دویست هزار تن مصرف فعلی داخلی ایران بقیه تمام شده در اختیار دولت ایران و شرکت ملی نفت قرار میگیرد یعنی نرخ رسمی و بین‌المللی و صدور لاک و مأخذ نیست و قیمت نفت هم که متعلق به خود است بحساب نمایانند بر این آنچه معراج اداری و فنی به میزان مصرف مواد نفتی داخله کشور تعلق میگردد بحساب میشود باین ترتیب تفاوت قیمت با مقایسه با ممالک همجوار از این بابت حدود ۱۷ میلیون دلار میباشد که در آن به دراز افزایش مصرف نفت

داخله برابرت بیشتر خواهد بود آقای وزیر دارائی این قسمت را خوب توجه فرمائید اگر ما تشکیلات توزیع داخلی را خوب درست کنیم بوسیله حمل و نقل و تأسیسات لوله کشی و غیره نیز توجیه داشته باشیم مواد نفتی مصرفی داخلی برابرت از نرخ فعلی خواهد بود.

روایتی از قرارداد توجه کرده اند که بهای گاز های مناطق نفت شیز و همچنین محصولات نفتی که برای استفاده بالایشگاه مصرف میشود بدولت ایران پرداخت شود علاوه بر این دولت ایران از گوگرد نیز عایداتی خواهد داشت باینکه این قرار داد موقتیت دولتی ایران نه نهاد تحصیل عایدات بیشتری بابت هر تن نفت میباشد بلکه میزان حجم اقل صادرات نفتی از ایران نیز بتدریج تعیین نموده است که ایران تنها کشوری است که امتیازی بخارجی نداشته و از منابع نفت خود بهره برداری میگردید بدین معنی قراردادی که فعلاً برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی شده قرار دادی است که شرکت ملی نفت با اختیاراتی که مطابق قانون ملی شدن صنایع نفت ایران داشته باینکه ممالک هشت شرکت بزرگ جهانی یعنی کسری - سیوم وارد مذاکره شده و قرار داد حاضر دولت ایران در واقع از نظر تقویت شرکت ملی نفت ایران و جلب اطمینان کسری سیوم در این مذاکرات مداخله داشته اند و در حقیقت شرکت اصلی و عامل اساسی و عاقد قرارداد برای بهره برداری از منابع نفت ایران همان شرکت ملی نفت ایران است.

مزیت دیگری که برای این قرارداد میتوان شمرد اینست نظر باینکه هشت شرکت مختلف بهره برداری از نفت ایران را بهمه میگردید مشولین دو شرکت عامل استخراج و بهره برداری کسری سیوم میگردید در نگهداری حساب و تشکیلات محاسباتی وقت کافی میندود دارند بطوریکه سهم بون کمپانیهای مختلف خود بغود یک کنترل طبیعی و ضروری وجود می آورد و بهین مناسبت وظیفه شرکت ملی نفت ایران و محاسبتی ایرانی از نظر کنترل هزینه و عواید فوق العاده دقیق و شیکند ما امیدواریم اکنون که مسئله فرات حل شده دولت برای ترمیم خسارات و براه انحصار عملیات ساختنای و عمرانی در ممالک خود حدود دویست الی سیصد میلیون دلار در مقابل عایدات نفت ایران از کسری سیوم بعنوان پیش قسط دریافت دارند.

گفته میشود که کسری سیوم مبلغ دویست و بیست میلیون لیره بعنوان سر

قلمی بشرکت سابق داده است. اولاً از میزان این رقم اطلاع صحیحی در دست نیست ثانیاً بر فرض صحت این امر ارتباطی با ایران ندارد و دیناری از کسری سیوم بیرون نمیرود و دیناری جز آنچه در قرارداد ذکر گردیده بحساب ایران گذارده نمیشود.

آقایان در ممالک نفت خیز که خود صنعت نفت ندارند و وسایل و متخصصان کافی برای بهره برداری مستقیم از منابع نفت خود در اختیار ندارند بناچار امتیازاتی بر عاقد قرار داد حاضر ایران تنهاند مگر آنست که بدون دادن امتیاز سیاسی و اقتصادی که دیگران بتوانند کسری سیوم را نمایندگی کنند در اختیار داشته باشند قراردادی با این شرایط در ممل مختلف آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و هلندی متعقد نموده است و در واقع میتوان گفت ایران توانمندتر است از دیگران که امتیازی بخارجی نداشته و از منابع نفت خود بهره برداری میگردید بدین معنی قراردادی که فعلاً برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی شده قرار دادی است که شرکت ملی نفت با اختیاراتی که مطابق قانون ملی شدن صنایع نفت ایران داشته باینکه ممالک هشت شرکت بزرگ جهانی یعنی کسری - سیوم وارد مذاکره شده و قرار داد حاضر دولت ایران در واقع از نظر تقویت شرکت ملی نفت ایران و جلب اطمینان کسری سیوم در این مذاکرات مداخله داشته اند و در حقیقت شرکت اصلی و عامل اساسی و عاقد قرارداد برای بهره برداری از منابع نفت ایران همان شرکت ملی نفت ایران است.

مزیت دیگری که برای این قرارداد میتوان شمرد اینست نظر باینکه هشت شرکت مختلف بهره برداری از نفت ایران را بهمه میگردید مشولین دو شرکت عامل استخراج و بهره برداری کسری سیوم میگردید در نگهداری حساب و تشکیلات محاسباتی وقت کافی میندود دارند بطوریکه سهم بون کمپانیهای مختلف خود بغود یک کنترل طبیعی و ضروری وجود می آورد و بهین مناسبت وظیفه شرکت ملی نفت ایران و محاسبتی ایرانی از نظر کنترل هزینه و عواید فوق العاده دقیق و شیکند ما امیدواریم اکنون که مسئله فرات حل شده دولت برای ترمیم خسارات و براه انحصار عملیات ساختنای و عمرانی در ممالک خود حدود دویست الی سیصد میلیون دلار در مقابل عایدات نفت ایران از کسری سیوم بعنوان پیش قسط دریافت دارند.

گفته میشود که کسری سیوم مبلغ دویست و بیست میلیون لیره بعنوان سر

سابق عایدات با حساب سازی و در واقع کلاه برداری حیف و میل شود. با امکان فروش ۱۳۰۰ درصد از محصول نفت در بازارهای دنیا دولت ایران خواهد توانست احتیاجات خود را با اقل از طریق بابایای ازمات ممالک مصرف کننده نفت تأمین نماید با این ترتیب ولودر همین تجارت بابایای ضرر جزئی هم نسبت بخرچ بین المللی نفت داشته باشیم بطوریج ما نیز در جرگه مالکدار کننده نفت درخواهیم شد و بهرورد ایام کشتی و وسایل و مؤسسات فروش و غیره در خارج از ایران تأسیس خواهیم کرد از آقای وزیر دارائی تقاضا میکنم از کسری سیوم بخواهند که شرکت ها و مؤسسات ایرانی که دارای کشتی های نفتکش میشوند در حمل نفت ایران با بازارهای خارجی حق تقدم داشته باشند. (شوشتری - یام - ردیف باشند) بنظر اینجانب یکی دیگر از مزایای این قرارداد همان ماده ۱۸ است که ضمن آن طرز اداره امور اجتماعی کارکنان نفت مستقیماً بهمه شرکت ملی نفت ایران واگذار شده است آقایان باید توجه کرد بی احتیاجی شرکت سابق بغواستهای مردم ایران دخالتهای ناروا و فواجع و فشار بی حد و حصر مشولین شرکت متعددی سابق و ضمن کارگران و زندگی وقت بار آنان منازع و لغزشهای معله های حصری آبی و حبلی آباد و بالاخره اتزیک های داخلی شرکت اهمیت خود مثل مسئله نفت تقبی شود و پیش رفت هر یک از آنها وجه همت دولت و افراد این مملکت قرار گیرد و بتحقیر اگر مسئله نفت بجوی اذتعا و وادرنظر گرفتن منافع ایران خاتمه نیابد ما در مخم که کوچه متوقف خواهیم ماند. (صحب است)

مطالب بنده بیشتر از این بود ولی نیهوام بیشتر از این آقایان تصدیق بندهم (ضالی - حرف حساسی هم بیشتر از این نمیشود) امید وادم آقای فئات آبادی هم میتونن که را رعایت فرمایند خیر الکلام مافل و دل کنند که دیگر سیاست امعاء و تخرب خوزستان را بعاطف خود راه ندهند (صحب است) و سیاست غلط و درواز عواطف بشری مشولین شرکت سابق را تکرار نکنند (صحب است) کسری سیوم نیز نباید به پیوسته بهیچ عنوان در هیچیک از شئون سیاسی کشور ما بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مداخله ای نداشته باشند راجع سیاست عمال شرکت سابق در خصوص دستمزدها کارگران در کتاب وقایع جنک در ایران کلبای که از طرف وزارت جنک آمریکا منتشر شده بنام:

**The Persian Corridor And Aid To Russia**

مطلبی است که برای اطلاع آقایان عرض میکنم در این کتاب در صفحه ۱۰۳ راجع بالا بردن دستمزدها کارگران خوزستان که از طرف

آمریکایا پیشنهاد شده انگلیسی هایدن کله الله «امام راجع به برد خاطر نشان شده که اهالی بومی روزی چهار ستند میگردند و اشخاصی که کار فنی انجام میدهند روزی سه سنت دریافت میارند.»

پیشنهادات آمریکاها برای افزایش دستمزدها کارگران بنظرد شوق کارو برای جبران دستمزدها اینکه بنظر آمریکا یان خیلی نازل بود و مورد قبول انگلیسی ها واقع نشد. انگلیسیها جدولی برای مرزها تعیین کرده اند و جدول به نتیجه رسید زیرا انگلیسیها میگفتند که فرق دستمزدها و سرمایه اختلاف سازمان اجتماعی ایران خواهد شد. (شوشتری - پشی ۴۶)

آقایان در بیان عرضم میخوانم خاطر نشان کنم صحیح است که مسئله نفت و بکار انداختن صنایع نفت و بهره برداری از این منبع عظیم زیر زمینی یکی از بزرگترین مسائل اقتصادی و حیاتی مملکت ما محسوب میشود لیکن درغ است که این مسئله بتنهائی تمام اوقات و انرژیهای جوان مملکت ما را برای مدت زیاد و نامحدودی بخود مشغول ساخته باشد اگر خوب توجه کنیم از قافله تمدن جهانی در جهات مختلف از جهت فرهنگ و بهداشت و کشاورزی و راه و غیره و غیره بسیار عقب مانده ایم و باید هر یک از این مسائل متناسب اهمیت خود مثل مسئله نفت تقبی شود و پیش رفت هر یک از آنها وجه همت دولت و افراد این مملکت قرار گیرد و بتحقیر اگر مسئله نفت بجوی اذتعا و وادرنظر گرفتن منافع ایران خاتمه نیابد ما در مخم که کوچه متوقف خواهیم ماند. (صحب است)

مطالب بنده بیشتر از این بود ولی نیهوام بیشتر از این آقایان تصدیق بندهم (ضالی - حرف حساسی هم بیشتر از این نمیشود) امید وادم آقای فئات آبادی هم میتونن که را رعایت فرمایند خیر الکلام مافل و دل کنند که دیگر سیاست امعاء و تخرب خوزستان را بعاطف خود راه ندهند (صحب است) و سیاست غلط و درواز عواطف بشری مشولین شرکت سابق را تکرار نکنند (صحب است) کسری سیوم نیز نباید به پیوسته بهیچ عنوان در هیچیک از شئون سیاسی کشور ما بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مداخله ای نداشته باشند راجع سیاست عمال شرکت سابق در خصوص دستمزدها کارگران در کتاب وقایع جنک در ایران کلبای که از طرف وزارت جنک آمریکا منتشر شده بنام:

**The Persian Corridor And Aid To Russia**

مطلبی است که برای اطلاع آقایان عرض میکنم در این کتاب در صفحه ۱۰۳ راجع بالا بردن دستمزدها کارگران خوزستان که از طرف

سابق عایدات با حساب سازی و در واقع کلاه برداری حیف و میل شود. با امکان فروش ۱۳۰۰ درصد از محصول نفت در بازارهای دنیا دولت ایران خواهد توانست احتیاجات خود را با اقل از طریق بابایای ازمات ممالک مصرف کننده نفت تأمین نماید با این ترتیب ولودر همین تجارت بابایای ضرر جزئی هم نسبت بخرچ بین المللی نفت داشته باشیم بطوریج ما نیز در جرگه مالکدار کننده نفت درخواهیم شد و بهرورد ایام کشتی و وسایل و مؤسسات فروش و غیره در خارج از ایران تأسیس خواهیم کرد از آقای وزیر دارائی تقاضا میکنم از کسری سیوم بخواهند که شرکت ها و مؤسسات ایرانی که دارای کشتی های نفتکش میشوند در حمل نفت ایران با بازارهای خارجی حق تقدم داشته باشند. (شوشتری - یام - ردیف باشند) بنظر اینجانب یکی دیگر از مزایای این قرارداد همان ماده ۱۸ است که ضمن آن طرز اداره امور اجتماعی کارکنان نفت مستقیماً بهمه شرکت ملی نفت ایران واگذار شده است آقایان باید توجه کرد بی احتیاجی شرکت سابق بغواستهای مردم ایران دخالتهای ناروا و فواجع و فشار بی حد و حصر مشولین شرکت متعددی سابق و ضمن کارگران و زندگی وقت بار آنان منازع و لغزشهای معله های حصری آبی و حبلی آباد و بالاخره اتزیک های داخلی شرکت اهمیت خود مثل مسئله نفت تقبی شود و پیش رفت هر یک از آنها وجه همت دولت و افراد این مملکت قرار گیرد و بتحقیر اگر مسئله نفت بجوی اذتعا و وادرنظر گرفتن منافع ایران خاتمه نیابد ما در مخم که کوچه متوقف خواهیم ماند. (صحب است)

مطالب بنده بیشتر از این بود ولی نیهوام بیشتر از این آقایان تصدیق بندهم (ضالی - حرف حساسی هم بیشتر از این نمیشود) امید وادم آقای فئات آبادی هم میتونن که را رعایت فرمایند خیر الکلام مافل و دل کنند که دیگر سیاست امعاء و تخرب خوزستان را بعاطف خود راه ندهند (صحب است) و سیاست غلط و درواز عواطف بشری مشولین شرکت سابق را تکرار نکنند (صحب است) کسری سیوم نیز نباید به پیوسته بهیچ عنوان در هیچیک از شئون سیاسی کشور ما بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مداخله ای نداشته باشند راجع سیاست عمال شرکت سابق در خصوص دستمزدها کارگران در کتاب وقایع جنک در ایران کلبای که از طرف وزارت جنک آمریکا منتشر شده بنام:

**The Persian Corridor And Aid To Russia**

مطلبی است که برای اطلاع آقایان عرض میکنم در این کتاب در صفحه ۱۰۳ راجع بالا بردن دستمزدها کارگران خوزستان که از طرف

برای ملت خود راهی را انتخاب کند که این راه آزادی استقلال سرزمینی و افتخار نام گردد جنب آفای وزیرداری در نظری که مناسبت تقدیم لایحه نفت به مجلس شورای ملی فرموده از خدا با این هیات و بنابین فرمود. هرچند کار اهدا ناصرالاستقامت بخواند که خدا ایشانرا و همه ما را براه مستقیم منتهی اقصی فاصقه پل ما و انسانیت هدایت و عظمت و افتخار و برده های فرامید جنب آفای وزیرداری را خداوند تبارک و تعالی را مستقیم رابین و شوا و همه بندگانش ارائه کرده است راه مستقیم خدمت بیدریغ در راه منافع خلق و سعادت خلق و نجات طبقات معروم رنجیده و بیبخت و بیچاره اجتماع است (صحیح است) از مستقیم خدمتگذاری در راه مردم و مقابله کردن در مقابل کسانی که میخوانند بفقو مردم بظروت مسمی با استقلال مردم وطن شیخون بزنده میباشد این راه مستقیم و راه نجات و سعادت است قبل از اینکه من شروع کنم هرایشی را در پیرامون مخالفت با این لایحه نفت که دولت بعنوان قرارداد فروش نفت تعیین مجلس شورای ملی کرده است عرض کنم لازم میدانم چند فرازمختصر بعنوان مقدمه عرض برسانم یکی از مقدمات سختم اینست که اساس من شخصاً قائل باین هستم که هانطوریکه بپیمبر اسلام فرموده است غیر الکلام قل و دل بهترین کلامه آن کلام و سخنی است که مستعمل باشد البته مقصود من از بیان این مطلب آن نیست که آن کسانی که زیاد صحبت و سخن میگویند کلماتشان مستعمل نیست و غیر لازم است نه هر کس بقدر فهمش تمهید مدعی در این يك مطلب است و دیگری میخوانم عرض کنم اینست که من از آزادی که وارد مبارزات اجتماعی شدم شاید ۱۰ یا ۱۵ سالها بودم و در طول این مدت همه گونه سعادت و لطافت و ازینها و آزارها را متحمل شده ام ( صحیح است ) قریب ۱۰ مرتبه یا ۱۲ مرتبه بزندان افتادم یکسال تمام از خانه و آشیانه و زندگیم و از پدر و مادر و عزیزانم دور بودم و در کرمانشاه تبعید بودم و انواع و اقسام تهمت ها و گرفتاری ها و صدمات را تحمل کردم فقط برای يك منظور و آن این بود که بسهم خودم و بمقدار قدرت و استطاعت خودم در راه نجات وطن عزیز و هموطنان ارجمند و گرامی خود یعنی آن هموطنان آن برادران من که در این مملکت از ابتدای تریزین حواجی زندگی و پیش یل - انقلابه ترین ضروریات زندگی مردم مستقیم چشم خودم بتوانم با آن طبقه و برده های نجلت آن طبقه که خود بهم افتخار این راه که چو آن طبقه هم خدمت کند البته میداند نادلی آتش نکند حرف جانپوزی نگویید حال ما خواهی اگر از گفته ملا مستجو کن - محال است آن دسته ای که در این مملکت متمسک به جمیع نعمتها هستند و از همه آزادی ندارند که بیخود بگویند

و از همه مواهب طبیعت استفاده می کنند آنها بچونند درک ننگ ناله ها و ضجه های که از احسان دل طبقات مردم این کشور بیرون می آید - یعنی آن آقایی که برای يك وعده هم در ممت هم نشان گرسنگی نکشیده و نخورده اند اینها نمای گرسنگی را درك نمی کنند لذا در این مملکت خدمت استقلال آسایش آزادی موفقیت عظمت از نظر دو طبقه دارای دو معنی شده است یعنی از نظر طبقه ای که همه چیز دارند از نظر دست مرغه از نظر دست نرئوند از نظر دست متمم از نظر طبقه اشراف از نظر دوا له اولسطه ها و رجای و آن کسانی که همه چیز این مملکت در اختیار آنها قرار گرفته است آزادی و استقلال و آسایش و وطن یک معنای خاصی دارد ( صحیح است ) و از نظر آن دسته ای که در این مملکت خود میخورند و خدمت می کشند و در هیچ چیز بیرونی مستعمل میشوند و تمام چرخهای فعاله این مملکت را میگردانند آزادی و وطن و استقلال يك معنای دیگری پیدا کرده است ( صحیح است ) برای توضیح مطلب يك نکته ای را لازم است من توجه بهم آقایان من تریب شده مکتب فرآتم و افتخارم اینست که در دامان خانواده ای تربیت عدم که پدر در پدر همه روحانی و آشنا با دین و سنن و رموز اسلام بوده اند ( صحیح است ) اینکه بنده عرض میکنم يك طبقه متممند و برخوردارند و يك طبقه مردم دردماند شا این مطلب را درك نکنید و اشتناط نکنید که من با طبقه تروتمند و با آباداشتن ثروت و ملك و سرمایه مخالفم ماذاله اینطور نیست هر کس که کار کند و هر کس که زحمت بکشد و هر کس که تولید کند و آباد کند و عمران کند و تروتمندست بیاد در حلال اودمست باوست و هر کس باو تجاوز بکند زندگانی را مطابق حق و قانون متجاوز ببال مشروع دیگران است و ایستایی مجازات شود اما آقا اگر کسی تجاوز کند اگر کسی غارت کند اگر کسی افراد اجتماع را دست جمعی استنثار کند و بکسرت حیوان و ادوار بکار کند و از او بار بکشد و بکند بدون اینکه باوقوت لایوت بسعد این آدم را دیگر نمی شود بهش گفت تروتمند این آدم جانی است در دست است قطع الطریق است ( صحیح است ) و آقایان نمایندگان محترم متأسفانه در این مملکت تمام این اختلافات تمام این تشنجات تمام این خنواهی بعق و بناحق که ریخته شده است و تمام این تشنجات بدیدر مزمز اینجاست علت انحراف يك بیهوده ای هموطنان عامی و بی سواد که باوجود اینکه در مکتب قرآن و دین تربیت شده اند مظلک حال خیانتهنگار مسکو آنها را منحرف کرده اند همین اختلاف عجیب طبقاتی است که يك بدهای غارتگر که همه چیز را غارت کرده اند وقتی موضوع گرفتن حق گرفتن مالیات و مواهب زمین و حساب و

کتاب نبشود آن در دما و قطع الطریق ما فریاد میزند و میگویند پس اسلام چطور شده و متأسفانه چون طبقه که مآدر استفاده این خود است یعنی این دسته ای که تروت را از راه مشروع بدست نیاورده اند این دسته ای که فقط رفته اند دور زمین ها را قدرت های حکومتها يك خطی کشیده اند و زمینها و املاک بزرگی را بدست آورده اند با گرفتن جواز و انواع و اقسام نقلیات در تجارت سرمایه های بزرگی انباشته اند متأسفانه قدرت ذر دست این طبقه همیشه بوده هست ( بکنفرانزمانیاندگان - خواهد بود ) بر اهم گرزیمین پرشار باشد در اوصد آهتین دیوار باشد موش با بدباصفاهت معغ نبارد بر سرم از میغ جزئیغ - براملت خود استوارم اگر خصم برد نایایدم من از آنروزی که وارد مبارزات اجتماعی شده با خدای خود عهد کردم و انشاء الله در این عهد استوارم که برای حفظ نبرای حفظ وطنم برای حفظ ناموس و وطنم با این طبقه غاصب یا خیانکار مبارزه کنم هر نهائی که در این مملکت بلند شد من بدنیال ملی ایران را که خودمان هم قبول داریم و خود جنابالی هم در منطق خودمان در منطق های شریفه آثار باستان کردید که من هم بفرمایشات شما استناد خواهم کرد این نهضت ملی را طبقات مردم ایران و ملت ایران خیانکار این طبقه خیانکار را در مملکت ما حمایت میگردد است و اگر بازرگان نهضت خرابی و آهشندو نتوانستیم از این نهضت بهره برداری کنیم این بود که بایرانه ها و کارگستهای این مملکت نهضت را به وجود آورند و دور دستی تقدیم طبقه شما کردند و این طبقه شما هستند این طبقه شاهستید که رحمت و لطافت و مفا کاریها و از خود گذشتهگی های ملت رشیدی که هیجوقت از این مملکت نرسیده است و نخواهد نرسید از این برید این زبونی و جبرنی طبقه شماست که اینهمه معن و بلا با بر این مملکت ما بوجود آورده و آینه هم بوجود خواهد این چندروزه بالغوصوس امروز ( یکی از نمایندگان - نوشته بانوشه ) وزیرداری - ( هر دو ) نوشته حالا شما هر دو را چاپ کنید ( نرانی - هر دو سخن منطبق بود ) متاع گرفتوردم بی مشرتی نیست گروهی آن گروهی این هستند ما خدارا می بینیم شما خرما را بیستند مصلی که خیلی بان اشاره می فرمودند این بود که يك حالت خیلی هیج خویلی صعبانی در اطراف آنکسانی که میخواهند مخالفین را بکوبند حتی این کله به مجلس سرایت کرده و يك مطالبی معصم و وقتی در مجلس عنوان میشود موافق و مخالف و زاری مسئول میتواند راجع بان صحبت کند اما حالا در خارج مجلس دیگران چه گفته اند و چه نوشته اند بیجا س مربوط نیست جنب آفای د کتر امینی يك شهای از نطق و بیان و فرمایشاتشان در جلسه گذشته راجع بان مطلبی بود و سکه عالی خیلی خوشوقت آمدم بجنبالی هم عرض

تشریف بیاورند و هرایش مارا گوش بدهند و راجع برایشان در مجلس صحبت کنند - در خارج حالا نمایان کله عوام فریب زیرا قلوب مردم این مملکت مفلووز کینه و حسد و دشمنی با مملکتان بود و است و خواهد بود ( صحیح است ) وقتی که صحبت انگلستان میشود جنب آفای د کتر امینی می فرمایند هر کس بگوید که ملت ایران از زبون است فلان است خیانت برم کرده بد کرده بنده می خواهم بگویم جنب آفای د کتر امینی اصلا صحبت زبونی ملت در کابریست ملت يك واحدی است مجتمع و مقتدر و متکی بقضا و قضایای خود چه سواد داشته باشد و چه نداشته باشد - توان در دست درك کند صحبت ملت زبونی نیست صحبت ضعف زبونی منتهایست صحبت ضعف زبونی طبقه ها که است ( وزیر دارائی - بنده هم ملت را ننگتم احواله نشود ) اجازه بفرمایید سر بر فرماید حوصله بفرمایید شما کمی خوبید ضم ما با آنها سرو کله شد ( خنده نمایندگان ) صحبت ضعف زبونی منتهای نیست بدلیل اینکه در مقابل چشم خودمان جنب آفای د کتر امینی این نهضت ملی ایران را که خودمان هم قبول داریم و خود جنابالی هم در منطق خودمان در منطق های شریفه آثار باستان کردید که من هم بفرمایشات شما استناد خواهم کرد این نهضت ملی را طبقات مردم ایران و ملت ایران خیانکار این طبقه خیانکار را در مملکت ما حمایت میگردد است و اگر بازرگان نهضت خرابی و آهشندو نتوانستیم از این نهضت بهره برداری کنیم این بود که بایرانه ها و کارگستهای این مملکت نهضت را به وجود آورند و دور دستی تقدیم طبقه شما کردند و این طبقه شما هستند این طبقه شاهستید که رحمت و لطافت و مفا کاریها و از خود گذشتهگی های ملت رشیدی که هیجوقت از این مملکت نرسیده است و نخواهد نرسید از این برید این زبونی و جبرنی طبقه شماست که اینهمه معن و بلا با بر این مملکت ما بوجود آورده و آینه هم بوجود خواهد این چندروزه بالغوصوس امروز ( یکی از نمایندگان - نوشته بانوشه ) وزیرداری - ( هر دو ) نوشته حالا شما هر دو را چاپ کنید ( نرانی - هر دو سخن منطبق بود ) متاع گرفتوردم بی مشرتی نیست گروهی آن گروهی این هستند ما خدارا می بینیم شما خرما را بیستند مصلی که خیلی بان اشاره می فرمودند این بود که يك حالت خیلی هیج خویلی صعبانی در اطراف آنکسانی که میخواهند مخالفین را بکوبند حتی این کله به مجلس سرایت کرده و يك مطالبی معصم و وقتی در مجلس عنوان میشود موافق و مخالف و زاری مسئول میتواند راجع بان صحبت کند اما حالا در خارج مجلس دیگران چه گفته اند و چه نوشته اند بیجا س مربوط نیست جنب آفای د کتر امینی يك شهای از نطق و بیان و فرمایشاتشان در جلسه گذشته راجع بان مطلبی بود و سکه عالی خیلی خوشوقت آمدم بجنبالی هم عرض

هیئت حا که و هیئت دولت را يك عهد انگلیسی تشکیل بدهند اینطور نبود اما یکمدهای بودند که در استفاده دولتی که در این دولت تشکیل شده بود قرار گرفته بودند این مطلب استناد بیباید کرد جنبالی است فرمایشات خودشان است آندولتی که در این دولت تشکیل شده بود در تمام شئون مملکت مادر فرهنگ اقتصاد و تجارت و سیاست داخلی و در سیاست خارجی بدست آن عهد معصود دخالت میکرد و ملت ایران میخواست این غار را از چشم خودش بکشد و بعد بیرون بیندازد علت عناد عبق و بی سابقه مردم ایران بانگلستان دخالت آنها در تحت عنوان تجارت و ترش و کتو استخراج نفت رامورد داخلی و اطعمه زند بیعت مردم ایران و فرورد مردم ایران بود بنابراین هم یکی از آن مردمی بودم که اینتعالب را درك کرده بودم و بدنبال هموطنان خودم بودم البته نمیخواهم این مطلب را بگویم که حمل بر خودخواهی بشود اما این جا برای ضبط تاریخ و برای اینکه آینه کاران درباره امروز موفقیت های ابتدائی آنروز ما و مبارزات بعدما قواوت بکنند این نکته لازم است گفته شود آقایان آنروزی که بنارا گذاشتند که با دولتهای دست نشانده است که موافق و مخالف بشمر بسید الشهدا احتسار را میگویند بنده آنروز دیدم که نهضت ملی دارد منحرف میشود و ما هم عاقل و علافند و خاطر خواه شخص بنوریم ما دنبال فکر بودیم ما دنبال نجات طبقه خودم مملکت بودیم و نمیخواستیم هر چه که شد از هر طریق که شده راه اعمال نفوذ خارجی را در مملکتان سد کنیم و رمز ملی کردن صنایع نفت شاخیال نکند آقایان کلمه مردم را بدستای ملی شدن صنعت نفت این مطالبی را که شما الان میفرمایید مردم ایندست یعنی مردم نینداندند که يك کشنی تا مردم این حل رفت مردم نینداندند که توزیع و فروش نفت بنصراً در انحصار آنهاست همه اینها را میداندستند و باین مطلب علم و اطلاع داشتند منتهی این بود که يك حساب يك همدای توی این مملکت کردند و آن این بود که فشار کبرانی سابق نفت همان کبرانی سابقی که جنب آفای د کتر امینی جنابالی در نظرفشان تفسیر بفرمودند در تحت آن قرار گرفتند و فرمودید که اقرار کردید که کبیانی سابق نفت که در ایران کبیانی تجارتی بود دولتی بود در مقابل دولت ایران و يك نخاری بود در چشم آزاد مردان ایران وقتی که يك کبیانی و يك تاجاری باصلاح شما در يك مملکتی عنوان میشود موافق و مخالف و زاری مسئول میتواند راجع بان صحبت کند اما حالا در خارج مجلس دیگران چه گفته اند و چه نوشته اند بیجا س مربوط نیست جنب آفای د کتر امینی يك شهای از نطق و بیان و فرمایشاتشان در جلسه گذشته راجع بان مطلبی بود و سکه عالی خیلی خوشوقت آمدم بجنبالی هم عرض

میکنم که بدبختی نباشد شما می توانید پیدا کنید - برای بیاشدن نهضت ملت ایران قبل از اینکه حکومت دست جنب آفای دستر مستقیم بیاید يك همدای توی این مملکت سعادت خودورند يك همدای در این شد و در بدردش زندگی يك عهد اشغاس قرار میگرفتند این اشغاس يك ترش مخصوصی را در ذوب خیلی قابل انتطاف هستند و هر چه بود که صاحبان قدرت بخواهند اینها معانولر میشوند می آید بوش بوش بوش و وارث انقلاب و تحول میشوند که پیش این آدمهای که تحول معطر از این انقلاب هستند ناانسان چکار کنند ؟ ناانسان انقلاب هستند ناانسان نقطه از ترش من و قابل انتطاف بودن خود استفاده کردند اینها مثل خانه ندادن دسته ای که بدید آید و در امر که شد اما این سمی میکنند که آندسته را به وسیله ای که شده است خارج کنند از بین ببرند نا بود کنند در گذشته همینطور شد زمان رقت و بدبختی و مرارت همه مال اما حکومت ما حزب کارگشایی ایران شد ( صحیح است ) حالا هم همینطور شده ممدای زند اش آقای حائری زاده و د کتر امینی صدق زنده اش هستند خدا میداند که من قصد تعرض بانخصار را ندارم و الله نمیخواهم به کسی اهدات بکنم و الله دلم بحال این مملکت میسوزد من می بینم اگر همین آتش همین کله باشد صد دمه دیگر قیام بشود نهضت و رستاخیز بشود جنب آفای د کتر امینی با رو به اینکه جنب آفای حائری زاده این صمت انتقاد فرموده اند زیاد موافق بنستم سر صیغاً عرض میکنم و حتی شما بگویم بنده با نفاق هم که ایشان در بروز در مجلس فرمودند زیاد موافق بنستم چون یکی از کسانی که مرا بدنبال نهضت ملی کشانید خود آقای حائری زاده بود که من اطلاع ندارم از این مرد بگو که از قبول نیکبختن اینهمه صدماتی که در زندگیم متحمل شده بهدایت این اشغاس بوده اما حق را نمیتوانم بزر یا بکنم در مقابل ظلم ناحق نمی توانم سکوت بکنم جنابالی حقتان این بوده است که به حائری زاده اهدات کنید جنابالی حقتان این بوده است که به حائری زاده ناخ و تاز کنید چون علت وجودی شما بعنوان وزیر دارائی در این صندلی حائری زاده بوده است ( صحیح است ) آن مردی که اینجا ایستاد آهه نقش خورد آهه نهضت ششید آهه باو اهدات کردند آنروز هائی که حائری زاده سرش میزدند جنابالی لایالی قدرتها و تروت هائی که از این مملکت بدست آورده بودند معصون از تعرض بودید و آقای د کتر مصدق هم اجازه نیندادند که کسی شما بگوید

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

تورات مجله علمی و ادبی

بنابراین ما تقرباً و با چهار ملیت یعنی با  
 کیانی‌های چهار ملیت ملدا کره کردیم و بصورت  
 کردیم در قرارداد بستیم چون این کیانی‌های  
 گنواست باین چهار ملتند از نظر تجارتنی  
 با هم دیگر رقابت دارند وقتی رقابت داشتند در یک  
 قدرت واحد متر گزینی شوند و این پنج ملت که  
 در این طرف قرار دارند همین و آن استفاده  
 میکنند و اینها مجال نمی‌کنند خدات در  
 امورات داخلی ما بکنند و آن بلاهاتی که  
 شرکت سابق بوجود آورده بود پیدا  
 نتواند شد اینطور من از فرمایشات شما  
 فهمیدم و استنباط کردم حالا اگر غیر از  
 این بوده و الحقی فی‌بطن الشاهر است بنده  
 نمی‌دانم که اشتباه است اینجا آقایان معتر  
 فرموده اند باصل مطلب را میدانند و نتوانسته‌اند  
 توج کنند بر این افعال مردم باصل مطلب توج  
 نگردانند و نتوانسته‌اند اصل مطلب را اقرار  
 بکنند و آن اینست که آقایان نایبندگان  
 معترم کیانی‌های نطف و کارتل‌ها و این  
 شرکتها که در دنیا با هم دیگر رقابت دارند  
 رقابتشان در مورد بدست آوردن منابع  
 نفتی است و الا در موضوع فروش و قیمت  
 و بازار با رقابتی با هم دیگر ندارند یعنی بین  
 کیانی انگلستان و کیانی فرانسه و با هلمند جنگ  
 و مبارزه مبارزه شروع میشود برای اینکه در  
 فلان نقطه هرستان با ایران با عراق با حجاز  
 اگر نفتی وجود دارد آنها برونند و امتیاز  
 اجازه استخراج و تولید و فروش را بدست  
 بیاورند و همین مطلب با هم جنگ دارند  
 و تمام این جنگ نفتی که در دنیا بوجود  
 آمده و مبارزه‌ای که برای نطف میشود برای  
 اینست که کیانی‌های آمریکا می‌خواهند  
 منافع نفتی را بدست بیاورند و در اختیار  
 خودشان بگیرند کیانی‌های انگلیسی هم  
 همین خیال را دارند کیانی‌های فرانسوی  
 و هلندی هر کدام قدر قدرتی که در دنیا  
 دارند آنها سیمشان اینست که برونند منابع  
 نطف و مواد اولیه و مراکز نطف را در اختیار  
 بگیرند اما وقتی که اینها روی یک معالی  
 توافق کردند و روی یک موضوع توافق  
 کردند و آن موضوعی که اساس اختلاف  
 این کیانی‌هاست از بین رفت دیگر بصورت  
 کیانی و شرکت واحد میشوند باین مطلب  
 اینست یعنی وقتی در ایران کنسرسیوم تشکیل  
 شد و قرار گذاشته که ۴۰ درصد سهام مال  
 انگلیستان باشد ۱۴ درصد مال هلندیها  
 باشد ۴ درصد هم مال کیانی‌های آمریکایی  
 باشد و ۷ درصد هم مال فرانسوی‌ها  
 باشد وقتی این جنگ خاتمه پیدا کرد و اینها  
 از نظر منابع نفتی رقابتشان از بین رفت  
 توافق کردند تراشی حاصل شد دیگر هیچ  
 چیزی که اینها را از صورت یک شرکت مختلف  
 خارج کند وجود ندارد چون قیمتها و بازارها  
 در اختیار همین هائی است که در اصل  
 منابع و مواد یا هم دیگر توافق کرده‌اند  
 (عبدالصاحب صفائی مقصود جلو گیری از

و هیئت حا که بشود هیئت حا که معلول  
 این مجلس است باید بیانات طوری باشد که  
 بشود مجلس توهم نشود زیرا اگر هیئت  
 حا که فعلی مورد اعتقاد مجلس فعلی نباشد  
 رای کرده و بعدند و خدا حافظ می‌کنند  
 پس جناب آقای قنات آبادی توجه داشته  
 باشید دولت فعلی مولود این مجلس است و  
 مورد اعتماد ملت ایران و تا وقتی که این  
 وضعیت هست اگر بصورت زنده‌ای نسبت  
 به هیئت حا که اعتراض شود مسلماً بمجلس  
 بر می‌خورد و سکوت ما در مورد بیانات  
 ایشان فقط برای این بود که هر چه بخوانند  
 بگویند و برای اینکه این موضوع نفت  
 به نتیجه نهائی برسد چون امروز هم شب  
 جمعه است و فردا هم جمعه است بنده پیشنهاد  
 کردم که روز شنبه جلسه باشد بالاخص که  
 روز شنبه مجلس سنا خواهد بود هر چه هست  
 و هر چه زودتر باشد موضوع خاتمه بدیم و تأخیر  
 موجب این نشود که ابادی سیاسی خارجی  
 سوء استفاده از این موضوع بکنند  
 رئیس - آقای قنات آبادی  
 قنات آبادی - من موقع و رای هم  
 میدهم که روز شنبه باشد  
 درخشش - من مخالفم  
 رئیس - شما چهارم هستید  
 درخشش - من مقدم بر همه اجازه  
 خواستم  
 رئیس - باید منشی‌ها تشویق بدهند  
 اول آقای قنات آبادی دوم آقای مسعودی  
 سوم آقای ارباب و چهارم شاه‌تیمه مجلس  
 قه‌اعنی دارد نمی‌شود هر چه میل خود آدم  
 هست انجام بدهد آقای مسعودی بفرماید  
 مسعودی - عرض کنم از روز اول که  
 این لایحه داده شد بمجلس ما بطور که جناب  
 آقای رئیس فرمودند جلسات بطور عادی  
 بوده خیلی عادی می‌بوده (درخشش - جلسه  
 پریش هم که بنده شش ساعت اینجا سر می‌ام  
 ایستادم عادی بوده آقای مسعودی)  
 رئیس - جلسه پریش بجای جلسه  
 صبح بود که برای فوت آقای سلطان‌العلما  
 تعطیل شد  
 درخشش - سه ساعت است نه  
 شش ساعت  
 رئیس - بعد توضیح میدهم که همه  
 مطالبی که گفته شد از موضوع خارج بوده  
 است ولی برای اینکه در خارج گفته شود که  
 در مجلس شورای ملی با اعمال نفوذی میشود  
 من از ماده ۸۳ که می‌دیم منشی‌ها بخواهند که  
 نباید ناطقین از موضوع خارج بشوند صرف نظر  
 کردم شما آقای درخشش مطالبی که گفتید  
 مگر همه را بخت بود؟ آقای قنات آبادی

از حسن صباح از طبقات از مالکیت  
 تمام این چیزها صحبت کردند من حرفی نزد  
 تمام اینها خارج از موضوع است من حرفی  
 نزد خودتان چیزی دیگری گفتید و من  
 این آزادی را حفظ میکنم از این  
 مورد اعتماد ملت ایران و تا وقتی که این  
 وضعیت هست اگر بصورت زنده‌ای نسبت  
 به هیئت حا که اعتراض شود مسلماً بمجلس  
 بر می‌خورد و سکوت ما در مورد بیانات  
 ایشان فقط برای این بود که هر چه بخوانند  
 بگویند و برای اینکه این موضوع نفت  
 به نتیجه نهائی برسد چون امروز هم شب  
 جمعه است و فردا هم جمعه است بنده پیشنهاد  
 کردم که روز شنبه جلسه باشد بالاخص که  
 روز شنبه مجلس سنا خواهد بود هر چه هست  
 و هر چه زودتر باشد موضوع خاتمه بدیم و تأخیر  
 موجب این نشود که ابادی سیاسی خارجی  
 سوء استفاده از این موضوع بکنند  
 رئیس - آقای قنات آبادی  
 قنات آبادی - من موقع و رای هم  
 میدهم که روز شنبه باشد  
 درخشش - من مخالفم  
 رئیس - شما چهارم هستید  
 درخشش - من مقدم بر همه اجازه  
 خواستم  
 رئیس - باید منشی‌ها تشویق بدهند  
 اول آقای قنات آبادی دوم آقای مسعودی  
 سوم آقای ارباب و چهارم شاه‌تیمه مجلس  
 قه‌اعنی دارد نمی‌شود هر چه میل خود آدم  
 هست انجام بدهد آقای مسعودی بفرماید  
 مسعودی - عرض کنم از روز اول که  
 این لایحه داده شد بمجلس ما بطور که جناب  
 آقای رئیس فرمودند جلسات بطور عادی  
 بوده خیلی عادی می‌بوده (درخشش - جلسه  
 پریش هم که بنده شش ساعت اینجا سر می‌ام  
 ایستادم عادی بوده آقای مسعودی)  
 رئیس - جلسه پریش بجای جلسه  
 صبح بود که برای فوت آقای سلطان‌العلما  
 تعطیل شد  
 درخشش - سه ساعت است نه  
 شش ساعت  
 رئیس - بعد توضیح میدهم که همه  
 مطالبی که گفته شد از موضوع خارج بوده  
 است ولی برای اینکه در خارج گفته شود که  
 در مجلس شورای ملی با اعمال نفوذی میشود  
 من از ماده ۸۳ که می‌دیم منشی‌ها بخواهند که  
 نباید ناطقین از موضوع خارج بشوند صرف نظر  
 کردم شما آقای درخشش مطالبی که گفتید  
 مگر همه را بخت بود؟ آقای قنات آبادی